

بسم الله الرحمن الرحيم

۴- امام شناسی در نهج البلاغه

۱- برخی ویژگی های امام علی (ع)

۱-۱- مقام علمی امام علی (ع)

الف) يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ^۱

واژه ها

ينحدر: جاری می شود

لايرقى: بالا نمی رود

ترجمه: سیل ها و چشمه های (علم و فضیلت) از دامن کوهسار وجودم جاری است و مرغان (دور پرواز اندیشه ها) به افکار بلند من راه نتوانند یافت.

ب) أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَأَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ^۲

واژه ها

تَفْقِدُونِي: مرا از دست بدهید

ترجمه: ای مردم پیش از آن که مرا نیابید آن چه می خواهید بپرسید که من به راه های آسمان از طرق زمین آشناترم.

^۱ - نهج البلاغه، صفحه ۴۸، خطبه ۳.

^۲ - همان، صفحه ۲۸۰، خطبه ۱۸۹.

ج) فَاسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْفِدُونِي فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ السَّاعَةِ وَلَا عَنْ فِتْنَةٍ تَهْدِي مِائَةً وَتُضِلُّ مِائَةً إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِنَاعِقِهَا وَقَائِدِهَا وَسَائِقِهَا وَمُنَاحِ رِكَابِهَا وَمَحَطِّ رِحَالِهَا وَمَنْ يُقْتَلُ مِنْ أَهْلِهَا قَتْلًا وَمَنْ يَمُوتُ مِنْهُمْ مَوْتًا^۱

واژه ها

فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ: سوگند به کسی که جانم در دست قدرت او است

فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ السَّاعَةِ: از آنچه بین امروز تا قیامت واقع می‌شود

فِتْنَةٌ: گروه

نَاعِقِهَا: دعوت کننده آن

قَائِدِهَا: رهبر آن

سَائِقٌ: کسی زمام امور دیگران را در دست دارد

مُنَاحِ رِكَابِهَا: جایگاه خیمه آنها

مَحَطِّ رِحَالِهَا: محل اجتماع آنها

ترجمه: بنا بر این پیش از آن که مرا از دست بدهید، هر چه می‌خواهید از من بپرسید سوگند به کسی که جانم در دست قدرت او است ممکن نیست از آنچه بین امروز تا قیامت واقع می‌شود، و نه در باره گروهی که صد نفر را هدایت و یا صد نفر را گمراه کنند از من پرسش کنید جز آنکه از دعوت کننده و رهبر و آن کس که زمام این گروه را بدست دارد، و جایگاه خیمه و خرگاه و محل اجتماع آنها، و آنان که از گروهی کشته می‌شوند، یا به مرگ طبیعی می‌میرند (از همه اینها) شما را آگاه می‌سازم.

۱-۲- رسیدن به مرتبه یقین

الف) مَا شَكَكْتُ فِي الْحَقِّ مُذْ أَرَيْتُهُ^۱

^۱ - همان، صفحه ۱۳۷، خطبه ۹۳.

واژه ها

مُذْ أَرَيْتَهُ: از آن زمان که به من نشان داده شد

ترجمه: از آن زمان که حق به من نشان داده شد هرگز در آن شک نکردم.

(ب) وَ سَمِعَ (علیه السلام) رَجُلًا مِنَ الْحَرُورِيَّةِ يَتَهَجَّدُ وَيَقْرَأُ فَقَالَ نَوْمٌ عَلَى يَقِينٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِي شَكٍّ^۲

واژه ها

الْحَرُورِيَّةِ: خوارج

يَتَهَجَّدُ: شب زنده داری می کند و نماز شب می خواند

يَقْرَأُ: قرآن تلاوت می کند

ترجمه: امام علیه السلام صدای یکی از خوارج را شنید که نماز شب می خواند و قرآن تلاوت می کرد، فرمود: خواب توأم با یقین و ایمان بهتر است از نماز با شک.

(ج) وَ قَالَ (علیه السلام) لَأَنْسَبَنَّ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَمْ يَنْسَبْهَا أَحَدٌ قَبْلِي الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْأَدَاءُ وَ الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ^۳

واژه ها

لَأَنْسَبَنَّ: تفسیر و توصیف می کنم

لَمْ يَنْسَبْهَا: تفسیر و توصیف نکرده

^۱ - همان، صفحه ۵۰۲، حکمت ۱۸۴ و نیز صفحه ۵۱، خطبه ۴.

^۲ - همان، صفحه ۴۸۵، حکمت ۹۷.

^۳ - همان، صفحه ۴۹۱، حکمت ۱۲۵.

ترجمه: اسلام را چنان تفسیر می‌کنم که هیچ کس پیش از من آن را چنین تفسیری نکرده باشد، اسلام همان تسلیم است (تسلیم در برابر فرمان خدا) و تسلیم همان یقین است (چرا که تسلیم بدون ایمان و یقین ممکن نیست) و یقین همان تصدیق است (چرا که تا علم و تصدیق حاصل نشود یقین حاصل نمی‌شود) و تصدیق همان اقرار است (چرا که تصدیق در درون قلب کافی نیست باید آنرا افشا کرد) و اقرار همان احساس مسئولیت است (چرا که بدون آن لفظی است بی‌معنا) و احساس مسئولیت همان عمل است (چرا که نتیجه احساس مسئولیت عمل می‌باشد).

۱-۳- عدالت امام علی (ع)

ترجمه: و من کلام له (علیه‌السلام) فیما رده علی المسلمین من قطائع عثمان رضی الله عنه

وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضِيقٌ^۱

واژه ها

قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ: زنانی را به آن عقد بسته اند

مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ: کنیزانی را با آن خریده باشند

لَرَدَدْتُهُ: حتماً آن را رمی گردانم

سَعَةً: گشایش

ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ: از دادگری به تنگ آید

فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضِيقٌ: از ستمی که بر او می‌رود، بیشتر به تنگ آید

ترجمه: (این سخن را امام هنگامی فرمود که عطایای عثمان را به بیت المال باز گرداند) به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیابم، آن را به صاحبش باز می‌گردانم، هر چند، آن را کابین زنان

^۱ - همان، صفحه ۵۷، خطبه ۱۵.

کرده باشند یا بهای کنیزکان. که در دادگری گشایش است و آنکه از دادگری به تنگ آید از ستمی که بر او می‌رود، بیشتر به تنگ آید.

۲- برخی ویژگی‌های امامان (اهل بیت) (ع)

۲-۱- امام، قرآن ناطق

هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ^۱

واژه‌ها

خَطٌّ مَسْطُورٌ: خطوطی نوشته شده

بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ: میان دو جلد

تَرْجُمَانٍ: مترجم، مفسر

ترجمه: ولی این قرآن خطوطی است که در میان دو جلد پنهان است، با زبان سخن نمی‌گوید و نیازمند به ترجمان است و تنها انسان‌ها می‌توانند از آن سخن بگویند.

۲-۲- سعادت انسان در گرو شناخت صحیح امام

الف) وَإِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قُورَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعُرَفَاءُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ^۲

واژه‌ها

قُورَاءُ اللَّهِ: مدبران الهی

عُرَفَاءُ: جمع عریف به معنای کسی که امور افرادی را به دست می‌گیرد

^۱ - همان، صفحه ۱۸۲، خطبه ۱۲۵.

^۲ - همان، صفحه ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

ترجمه: پیشوایان، مدبران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان اویند، هیچ کس جز کسی که آنها را بشناسد و آنها نیز او را بشناسند وارد بهشت نخواهد شد و جز کسی که آنان را انکار کند و آنان هم او را انکار کنند وارد دوزخ نگردد.

۲-۳- امامان درهای ورود به دین

(ب) نَحْنُ الشُّعَارُ وَالْأَصْحَابُ وَالْخَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ وَلَا تُؤْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا سُمِّيَ سَارِقًا^۱

واژه ها

الشُّعَارُ: اصل معنای آن لباس زیر است و در اینجا منظور از آن محرم اسرار است

الْخَزَنَةُ: گنجینه‌ها

ترجمه: ما محرم اسرار حق و یاران راستین و گنجینه‌ها و درهای علوم پیامبریم و هیچ کس به خانه‌ها جز از در وارد نمی‌شود و کسی که از غیر در وارد گردد سارق خوانده می‌شود.

۲-۴- امام شاخص تمیز حق و باطل (حرکت جلوتر از امام و عقب ماندن از امام یعنی گمراهی)

(الف) لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَعِمَادُ الْيَقِينِ إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَبِهِمْ يُلْحَقُ التَّالِي وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ^۲

واژه ها

لَا يُسَوَّى: با آنها برابر نخواهند بود

مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ: آنان که ریزه‌خوار خوان نعمت آنهایند (آل محمد)

عِمَاد: پایه و اساس

يَفِيءُ: باز می‌گردد

۱ - همان، صفحه‌ی ۲۱۵، خطبه ۱۵۴.

۲ - همان، صفحه ۴۷، خطبه ۲.

الْغَالِي: غلو کننده

ترجمه: احدی از این امت را با آل محمد (ص) مقایسه نتوان کرد. آنان که ریزه‌خوار خوان نعمت آل محمدند با آنها برابر نخواهند بود. آنها اساس دینند و ارکان یقین. غلو کننده باید به سوی آنان بازگردد و عقب مانده باید به آنان ملحق شود، ویژگی های ولایت و حکومت از آن آنها است.

ب) وَ خَلْفَ فِينَا رَايَةَ الْحَقِّ مَنْ تَقَدَّمَ مَرَقَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقَ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ^۱

واژه ها

خَلْفَ: به یادگار گذارد

رَايَةَ الْحَقِّ: پرچم حق

تَقَدَّمَ: پیشی گیرد

مَرَقَ: از دین خارج شود

تَخَلَّفَ: عقب بماند

زَهَقَ: هلاک گردد

لَزِمَهَا: از آن جدا نشود

ترجمه: و (پیامبر اسلام "ص") پرچم حق را در میان ما به یادگار گذارد، پرچمی که هر کس از آن پیشی گیرد، از دین خارج شود و آن کس که از آن عقب بماند، هلاک گردد و هر کس که از آن جدا نشود به او رسد.

ج) انظروا اهل بيت نبيكم فالزموا سمتهم و اتبعوا اثرهم ... فإن لبدوا فالبدوا و إن نهضوا فانهضوا و لا تسبقوهم فتضلوا و لا تتأخروا عنهم فتهلكوا^۲

واژه ها

۱ - همان، صفحه ۱۴۶، خطبه ۱۰۰.

۲ - همان، صفحه ۱۴۳، خطبه ۹۷.

فَالزُّمُو سَمْتَهُمْ: از آن سمت که آنها گام برمی‌دارند منحرف نشوید

فَإِنْ لَبَدُوا فَأَلْبَدُوا: اگر ایستادند(سکوت کردند)، بایستید (سکوت کنید)

إِنْ نَهَضُوا فَأَنْهَضُوا: اگر قیام کردند قیام کنید

ترجمه: به اهل بیت پیامبر بنگرید، از آن سمت که آنها گام برمی‌دارند منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید... اگر سکوت کنند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید، از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید.

۲-۵- امام موجب حیات علم

فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ هُمُ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ وَ صَمْتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ
لَا يُخَالِفُونَ الدِّينَ وَ لَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ^۱

واژه ها

عَيْشُ الْعِلْمِ: موجب حیات علم

صَمْتُهُمْ: سکوتشان

صَامِتٌ نَاطِقٌ: ساکتی سخنگو

ترجمه: آنها زندگی علم، و مرگ جهلند: آنهایند که حکمشان شما را از علمشان و سکوتشان شما را از منطقتان و ظاهرشان از باطنشان آگاهی می‌دهد. اینان نه با دین مخالفت می‌کنند و نه در آن اختلاف دارند، بنا براین، دین در میان آنان گواهی است صادق و ساکتی است سخنگو.

۲-۶- افراط و تفریط در مورد مقام امام ممنوع

سَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ مُجِبٌ مُفْرَطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مُبْعَضٌ مُفْرَطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ التَّمَطُّ الْأَوْسَطُ^۱

^۱ - همان، صفحه ۲۰۵، خطبه ۱۴۷.

واژه ها

سَيَهْلِكُ: بزودی هلاک می گردند

فِي: در مورد من

يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ: محبت افراطی من، وی را به غیر حق بکشد

النَّمَطُ الْأَوْسَطُ: گروه میانه‌رو

ترجمه: بزودی دو گروه در باره من هلاک می گردند: دوستدار افراط کننده که محبت افراطی من وی را به غیر حق بکشد و دشمن افراطی که از سر دشمنی قدم در غیر راه حق بگذارد (جمعی مرا خدا بدانند و جمعی حتی مسلمان ندانند) بهترین مردم در باره من گروه میانه‌رو هستند از آنها جدا نشوید.

۳- امام زمان (عج) در نهج البلاغه

۳-۱- امام زمان (عج) ذخیره و حجت الهی

قَدْ لَبَسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْأَقْبَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِفَةَ بِهَا وَ التَّفَرُّغَ لَهَا فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَ حَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا فَهُوَ مُعْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ وَ ضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ وَ الصَّقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ بِقِيَّةٍ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ خَلِيفَةً مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ^۲

واژه ها

قَدْ لَبَسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا: زره «دانش» را بر تن پوشانده

التَّفَرُّغُ لَهَا: آمادگی برای آن

^۱ - همان، صفحه ۱۸۴، خطبه ۱۲۷.

^۲ - همان، صفحه ۲۶۲، خطبه ۱۸۲.

ضَالَّتُهُ: گم شده او

مُعْتَرِبٌ: غریب است

إِذَا اعْتَرَبَ الْإِسْلَامُ: هنگامی که اسلام غریب شود

ضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ: چونان شتری که از شدت خستگی دم خود به حرکت آرد

الْصَّقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ: گردن بر زمین نهد

ترجمه: زره حکمت بر تن کرد و آن را با همه آدایش فرا گرفت. بدان روی آورد و بشناختش و جز آن به چیزی نپرداخت. حکمت در نظر او گم شده‌اش بود که به طلبش برخاسته بود و نیازش بود که پیوسته از آن می‌پرسید. او غریب است هنگامی که اسلام غریب شود. چونان شتری که از شدت خستگی دم خود به حرکت آرد و گردن بر زمین نهد. او باقی بقایای حجت اوست و خلیفه‌ای است از خلفای پیامبران.

۲-۳- وعده ظهور امام زمان (عج)

يَا قَوْمِ هَذَا إِبَانٌ وَرُودٌ كُلُّ مَوْعُودٍ وَ دُنُوٌّ مِنْ طُلُوعِ مَا لَا تَعْرِفُونَ أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ
يَخْذُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رِبْقًا وَ يُعْتِقَ فِيهَا رِقًا وَ يَصْدَعُ شَعْبًا وَ يَشَعْبُ صَدْعًا فِي سُرْتَةٍ عَنِ النَّاسِ
لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثْرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ ثُمَّ لَيْشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تُجَلَّى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَ يُرْمَى
بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يُغْبِقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ^۱

واژه ها

إِبَانٌ: زمان

دُنُوٌّ: نزدیکی

طُلُوعِ مَا لَا تَعْرِفُونَ: طلوع آن چه بر شما مجهول و مبهم است

سِرَاجٍ مُنِيرٍ: چراغی روشنگر

^۱ - همان، صفحه ۲۰۸، خطبه ۱۵۰.

يَحْدُو: حرکت می کند، گام می نهد

يَسْرِي: رفتار می کند

لِيَحِلَّ فِيهَا رَبْقًا: تا گره‌ها را بگشاید

يُعْتِقَ فِيهَا رِقًا: بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد

يَصْدَعُ شَعْبًا: جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده

يَشْعَبُ صَدْعًا: حق جویان پراکنده را گرد هم آورد

سُتْرَةٌ: پنهانی

الْقَائِفُ أَثْرَةً: پی جویان اثر قدمش

وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَةً: گر چه بسیار در یافتن اثرش جستجو کنند

لِيُشْحَذَنَّ: مهیا می‌گردند

شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ: هم چون مهیا شدن شمشیر به دست تیرگر

تَجَلَّى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ: چشم اینان با قرآن روشنی می‌گیرد

يُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ: معانی آیاتش به گوش آنان افکنده می‌شود

يُغْبِقُونَ: سیراب می‌گردند

كَأْسِ الْحِكْمَةِ: جام حکمت

بَعْدَ الصَّبُوحِ: شامگاهان و صبح‌گاهان

ترجمه: ای جمعیت اکنون هنگام رسیدن آن فتنه‌هایی است که به شما وعده داده شده و نزدیکی طلوع آن چه بر شما مجهول و مبهم است، بدانید آن کس از ما (مهدی ما) که آن فتنه‌ها را دریابد با چراغی روشن‌گر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش صالحان (پیامبر و ائمه (ع)) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را گرد

هم آورد و این رهبر (سال ها) در پنهانی از مردم به سر می برد آن چنان که پی جویان اثر قدمش را نبینند
گر چه بسیار در یافتن اثرش جستجو کنند، سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه ها مهیا می گردند هم
چون مهیا شدن شمشیر به دست تیرگر. چشم اینان با قرآن روشنی می گیرد و معانی آیاتش به گوش آنان
افکنده می شود و شامگاهان و صبح گاهان از جام حکمت و معارف الهی سیراب می گردند

جزوه نهج البلاغه: بهروز